

نقش خانواده در پیشگیری و درمان جرایم اجتماعی با تکیه بر آموزه‌های علوی

عباسعلی فراهتی^۱

محبوبه درخشنده فر^۲

چکیده

خانواده از عناصر و ارکان اصلی تربیت فرزندان می‌باشد. آموزه‌های نورانی اسلام به نقش خانواده و اهمیت آن در شکل‌گیری شخصیت و تربیت فرزندان توجه و تأکید ویژه‌ای دارد. معارف علوی و رهنمودهای ارزشمند امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آینه‌ای کامل از جایگاه نهاد خانواده در پیشگیری و درمان از جرایم و آسیب‌های اجتماعی است که می‌تواند نقش مهمی را در این خصوص داشته باشد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کیفی و با مراجعه به اسناد روایی معتبر بویژه نهج‌البلاغه به تحلیل محتوای این منابع پرداخته است. در خصوص یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت آسیب‌های اجتماعی در جوامع امروزی چنان سطوح مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار داده که تلاش و همت همه نهادهای اجتماعی از جمله خانواده را می‌طلبد. آسیب‌های روانی و اجتماعی از اصلی‌ترین معضلات تهدیدکننده زندگی امروزی است که با زدودن نیروها و توانمندی‌های انسانی، نقش مخربی در سلامت و روند توسعه و پیشرفت جامعه دارد. از این‌رو، تمامی نهادها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی و بخصوص خانواده‌ها و والدین می‌توانند با تکیه بر آموزه‌های نهج‌البلاغه در مقابل آثار و نتایج آسیب‌ها و جرایم مقابله کرده و از پیشرفت، جلوگیری و درمان آن راه‌کارهایی به عمل آورند.

۱ استادیار معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه

کاشان، ایران، کاشان a.farahati@gmail.com

۲ کارشناس ارشد معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه

کاشان، ایران، کاشان khanom.derakhshandeh@gmail.com

کلیدواژه‌ها:

خانواده، پیشگیری و درمان، جرایم اجتماعی، نهج‌البلاغه، معارف علوی.

۱. مقدمه

در جوامع امروزی با توجه به فزونی شمار جرایم و استعمال روش‌های گوناگون مدرن جرایم و فقدان کارآیی واکنش‌های کیفری، ضرورت به کارگیری افعال پیشگیرانه و درمانی از سوی نهاد خانواده و تربیت غیرکیفری در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. والدین، اولین کسانی هستند که در محیط خانواده بر خلق و خوی فرزندان تأثیر می‌گذارند. آن‌ها با رفتار خود ارکان فضائل یا رذائل را در نهاد فرزندان‌شان پایه‌گذاری می‌کنند و زمینه‌های شکل‌گیری حالات و ملکات اخلاقی پسندیده یا ناپسند را فراهم می‌کنند.

پیشگیری دینی (با روش استفاده از آیات الهی و فرهنگ‌سازی در خانواده و مدارس) مجموعه افعال پیشگیرانه‌ای است که بر همه محیط‌های پیرامون فرزندان در روند اخلاقی و عملکردهای اجتماعی نقش مؤثری دارند. این سبک پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی با دقت در آیات الهی، معارف علوی همانند نهج‌البلاغه و روش زندگی که قرآن به انسان آموزش می‌دهد سعی در توسعه معنوی وضعیت زندگی فرد و اجتماع دارد تا شرایطی سالم و ایمن ایجاد نماید.

نهج‌البلاغه همچون قرآن با تأکید بر نقش والدین در تربیت و پرورش فرزندان به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم در زندگی انسان برای کنترل جرایم و آسیب‌های اجتماعی که در جامعه پیش روی نوجوانان و جوانان می‌باشد راه‌کارهای متفاوتی برای تربیت اخلاقی و دینی فرزندان بیان کرده است. آموزه‌های اسلامی برای حل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی نیز راه‌های پیشگیری و درمان ارائه داده‌اند. عدم توجه به خانواده و روش‌های تربیتی، اصول و شیوه زندگی سالم، زمینه‌ساز بروز انواع مختلفی از جرایم اجتماعی می‌گردد که نتایج و عواقب جبران‌ناپذیر برای فرد، خانواده و جامعه دارد. لذا با این هدف در این مقاله، با جست‌وجو در معارف علوی، به اصول و شیوه‌های فرزندپروری و تربیت نسل صالح اشاره می‌گردد.

۱-۱. بیان مسئله

خانواده و جرایم اجتماعی اکنون یکی از معضلات پر چالش جامعه است. جرایم اجتماعی، سلامت روحی و روانی اعضای جامعه بخصوص کودکان، نوجوانان و جوانان را با خطر روبرو کرده است. مسائلی از جمله انزوای اجتماعی، خشونت، اعتیاد، فرار از خانه، ناهنجاری‌های رفتاری و ناامیدی را می‌توان از جمله پیامدهای آسیب‌ها و جرایم اجتماعی در جامعه کنونی برشمرد. با آسیب‌شناسی و درمان جرایم روشن می‌شود که در عصر شکوفایی صنعت، دانش و تکنولوژی، استحکام کانون گرم خانواده کمتر مورد عنایت قرار گرفته و در نتیجه ضربات شکننده‌ای به جامعه انسانی وارد شده است. خانواده، کوچک‌ترین بخش و نهاد اجتماعی است که اصل و پایه واحدهای بزرگ‌تر به حساب می‌آید. مقدار سهم و موفقیتی که اعضا برای ایفای نقش در واحدهای بزرگ اجتماعی ایفا می‌کنند، بستگی به نحوه تربیت، رشد و شکوفایی استعدادهای آن‌ها در کانون مقدس خانواده دارد. خانواده، به منزله اولین محیط رشد فرد، فقط با حفظ انسجام و پیوستگی همه اعضا و عناصر خود می‌تواند نقش مهمی را در تربیت افراد سالم و سازش‌یافته اعمال کند و بدین‌سان جایگاه و منزلت منحصر به فرد خود را حفظ نماید. خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، می‌تواند جلوه‌گاه صعود یا سقوط هر جامعه باشد. پس باید برای داشتن جامعه‌ای ایده‌آل، خانواده‌ای ایده‌آل داشت (رضائیان، ۱۳۹۴: ص ۱). برای جوان فقدان حیثیت و عظمت انسانی از جمله چالش‌هایی است که آسیب‌های جدی بر تربیت می‌گذارد و خطرناک است، اگر در فردی این وضع پیدا شود که احساس حیثیت نکند و عظمت خود را از دست رفته بداند به هر کار هولناکی روی خواهد آورد. تربیت فرزند از اصلی‌ترین مسائل آموزشی و یادگیری در جامعه به‌شمار می‌آید و زیربنای مراحل بعدی آن می‌باشد، به همین سبب، در سخنان معصومین (ع) مخصوصاً امیرمؤمنان (ع) فراوان بر این اصل تأکید شده است. برای مثال، ایشان در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) بر جنبه‌های اخلاقی و تربیتی تأکید داشته و رعایت این موارد را از جمله راه‌های رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی دانسته‌اند. حضرت امیر (ع) راه‌کارهایی شایسته برای رسیدن به نظام مطلوب اجتماعی را قبل از ابتلاء جامعه به ناهنجاری‌های مخرب و هرگونه فساد اجتماعی مطرح می‌سازد. به همین دلیل پیش از هر چیز، به عوامل ایجادکننده جرم دقت نموده و برای رویارویی با آن تدابیری را که در وجود انسان نهادینه می‌شوند را ارائه کرده است (ن.ک):

کارخانه و موسیوند، ۱۳۹۷: ص ۷۴-۸۶). با توجه به موارد اشاره شده، لازم است تا پژوهشی هدمند به بررسی نقش خانواده در کاهش جرائم اجتماعی بپردازد و امیرالمؤمنین (ع) به عنوان بزرگترین شخصیت تاریخ بشریت در حوزه تعلیم و تربیت پس از رسول خدا (ص) مهم‌ترین رهنمودهای سازنده را در این زمینه دارند. می‌توان پرسش اصلی را این‌گونه مطرح کرد که نقش خانواده در پیشگیری و درمان جرایم اجتماعی چیست؟ از این لحاظ، پژوهش حاضر سعی در بررسی این موضوع با توجه به آموزه‌ها و معارف علوی دارد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی چند در زمینه کاهش جرم صورت گرفته که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

قدیمی‌ذاکر (۱۳۷۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «دیدگاه‌های جرم‌شناسانه امیرالمؤمنین علی(ع)» به این نتیجه رسیده که ایشان توارث انتقال خصوصیات ارثی مؤثر در بزهکاری را در چند مورد پذیرفته و بر نقش مؤثر تغذیه اعم از نقش مثبت و منفی تأکید داشته‌اند و در بحث قیافه‌شناسی نیز حضرت در دو مورد به نقص بدنی، عدم تناسب جنسی و خصوصیات ظاهری بزهکاران یا مجرمان پرداخته‌اند که بخشی از آن مطابق و بخشی دیگر مغایر با دیدگاه‌های جرم‌شناسان معاصر می‌باشد.

جوهری (۱۳۸۸) در کتاب «گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان» در تلاش بوده تا از متون دینی، آموزه‌ها و دست‌مایه‌های گران‌سنگی برای برنامه‌سازان صداوسیما فراهم آورد تا با استعانت از این آموزه‌ها، در تنظیم رفتار والدین و فرزندان و هموارسازی تربیت دینی، گام‌های مؤثرتری بردارند و همچنین با این آموزه‌های تربیتی، قدمی برای پیشگیری از خطرات جامعه و آسیب‌ها برداشته شود.

قندی (۱۳۹۵) در پژوهش «روش‌شناسی نقش والدین در تربیت فرزندان بر اساس نامه ۳۱ نهج‌البلاغه» پس از بررسی روش‌های تربیت فرزند از سوی والدین مطابق نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به این نتیجه رسیده است که تربیت انسان در راستای رسیدن به مسیر کمال و سعادت ابدی، از دیرباز مورد اهمیت و بررسی قرار گرفته است. از این‌رو، نیاز انسان به یک برنامه تربیتی کامل و جامع امری حیاتی می‌باشد. این برنامه باید توسط مدیر و مدبری تبیین شده باشد که خود، به تمام نیازها و ابعاد وجودی بشر آگاه باشد که تنها مخصوص خداوند تعالی می‌باشد. مهم‌ترین اشخاص در امر تربیت

والدین هستند که باید از قبل از تولد فرزند (از زمان انعقاد نطفه) برنامه تربیتی برای فرزند خود داشته باشند و اقدام به اجرای آن بنمایند.

میرقائد (۱۳۹۷) در کتاب «پیشگیری از جرم از منظر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه» به نکات بسیار ارزشمندی در زمینه اقداماتی که مسلمانان یا حکومت اسلامی در راستای پیشگیری از وقوع جرم (بزهکاری) باید عملی سازند، اشاره می‌کند. دانش جرم‌شناسی، به عنوان شاخه‌ای نه چندان قدیمی در حقوق کیفری، به‌طور مستقیم، از جمله بر امر پیشگیری از جرم توجه داشته و در این زمینه، درباره بهترین طرق و راه‌کارهای پیشگیری از جرم، نظریه‌پردازی‌های فراوانی صورت گرفته است. انواع و اقسام متعددی از پیشگیری از جرم، تاکنون در دانش جرم‌شناسی ارائه شده‌اند و احتمالاً در آینده نیز وضع به همین ترتیب خواهد بود.

فیروزیان‌نژاد و مظفری‌ابرار (۱۳۹۹) در کتاب «نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان» بیان کرده‌اند که پیشگیری از جرم، بدون شک هدف غائی سیاست جنایی است؛ چرا که با یک تیر دو هدف را نشانه می‌گیرد. اولاً، هزینه پیشگیری بسیار پایین‌تر از بازپروری مجرمین است و ثانیاً، سلامت اجتماعی در گرو این اصل مهم است. بدون شک، خانواده به عنوان سازنده افراد جامعه، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. پس در نتیجه، کودکان و نوجوانانی که به درستی تربیت شده‌اند نه تنها انسان‌های به هنجاری هستند، بلکه پیشگیری خانواده‌محور از وقوع جرم این افراد هزینه‌های وضعی پیشگیری را از میان برمی‌دارد.

با توجه به مطالعات پیشین و تحقیقات داخلی و خارجی که در این راستا انجام شده است و با توجه به جامعه‌ی اسلامی که در پژوهش ما مدنظر بوده و همچنین روش تحقیق ما که به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته، نشان‌دهنده عدم مطالعه ساختارمند قبلی در زمینه بررسی نقش خانواده در معارف علوی و نهج‌البلاغه است. جنبه نوآوری این تحقیق که در پژوهش‌های پیشین بدان به صورت ویژه پرداخته نشده بود، در بررسی این موضوع از زاویه دید آن امام بزرگوار (ع) می‌باشد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

همان‌گونه که اعضای یک خانواده کاملاً شبیه به یکدیگر نیستند و همه انگشتان یک دست نیز تفاوت‌هایی با هم دارند؛ افراد یک جامعه نیز از جنبه‌های گوناگون با هم اختلافاتی دارند. این

انگیزش‌ها، کشش‌ها، گرایش‌ها و تمایلاتی است که ممکن است انسان را به انجام کارهایی برخلاف آداب و سنت و هنجارهای متداول یک جامعه ترغیب نماید. به همین دلیل، قرآن کریم گاه انسان را به عنوان موجودی زیان‌کار و طغیان‌گر مورد خطاب قرار داده و متذکر شده است که تمایلات نفسانی، انسان را به ضلالت و تباهی می‌کشاند. انگیزه پژوهش‌گر و دغدغه اصلی پژوهش این است که با نشان دادن اهمیت و جایگاه خانواده و نوع تربیت خانواده از دیدگاه معارف علوی به بررسی کاهش و کنترل آسیب‌ها و جرایم اجتماعی پرداخته شود، تا نقش و وظایف نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین رکن اصلی اجتماع همیشه در صحنه برای تربیت فرزندان بیان گردد.

۲. بحث

۲-۱. مفهوم‌شناسی

۲-۱-۱. خانواده

تعریف خانواده در لغت فارسی بدین‌گونه آمده است:

(الف) خاندان، دودمان، خیل خانه، تبار (دهخدا، ۱۳۷۷: ماده خ).

(ب) سلاله، طایفه، فامیل و اهل بیت (عمید، ۱۳۸۹: ص ۳۹۵).

در نگاه اندیشمندان اسلامی نیز، خانواده در ابتدا از مرد و زنی که در سایه ازدواج مشروع با هم رابطه برقرار کرده‌اند، ایجاد می‌شود. مجموعه آن، شامل همسران و فرزندان است که با مشورت هم به سوی هدفی مشخص و منافع به پیش می‌روند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ص ۱۷۸). در تعریفی دیگر از اندیشمندان اسلامی، خانواده را جمعی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی عرضه می‌کند که اصل آغازین آن را ازدواج مشروع مرد و زن شکل می‌دهد (قائم، ۱۳۹۳: ص ۲۰). در نهج البلاغه نیز معنی کلمه خانواده در واژگانی به کار رفته است. مثلاً واژه «اهل» ۱۰۶ مرتبه [«وَجَزَاكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ مِصْرٍ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ...» (نهج البلاغه: نامه ۲)؛ «خداوند به شما از طرف اهل بیت پیامبرتان از میان مردم مصر پاداش دهد.»، «إِذَا أَحْمَرَّ... النَّاسُ قَدَّمَ أَهْلَ بَيْتِهِ فَوْقَى بِهِمْ أَصْحَابَهُ...» (نهج البلاغه: نامه ۹)؛ «هنگامی که دلاوری سرخ می‌شد و مردم مایوس می‌شدند، اهل بیت او پیشاپیش می‌آمدند و یارانش بر آنان پیشی می‌گرفتند.»] و واژه «آل» ۶ مرتبه [«یذکر فیها آل محمد ... وَ مَوْتُ الْجَهْلِ...» (نهج البلاغه: خطبه ۲۳۹)؛ «در آن آل محمد صلی الله علیه و آله ذکر

می‌کند که آن‌ها حیات علم و مرگ جاهلیت هستند.» ، «عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۰)؛ «طبق سنت آل فرعون...» [در نهج البلاغه آمده است.

۲-۱-۲. جرایم

جرایم، جمع واژه جرم است. جرم، از ریشه عربی «ج ر م»، به معانی حمل کردن، چیدن میوه از درخت، قطع کردن، ارتکاب گناه، کسب کردن و وادار کردن به عملی قبیح به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ص ۱۱۹).

منظور از «جرایم اجتماعی» نیز در این تحقیق از دیدگاه معارف علوی به این صورت است که جرایم اجتماعی آن دسته از تخلفاتی هستند که از نظر قوانین اسلامی و قوانین عرفی و شرعی اسلام جرم و تخلف محسوب می‌شوند و انجام دادن آنان در سطح اجتماع و جامعه باعث جرمه شدن افراد از سوی شرع، نهادها و مردم می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۵: ص ۶۴ و ۶۵). از دیدگاه جامعه‌شناسان، جرم عبارت از هر فعل یا ترک فعلی است که بر خلاف وجدان و اندیشه عمومی باشد، اعم از اینکه مورد پشتیبانی قانون‌گذار قرار گرفته باشد یا خیر. در اصل، جرم در این مفهوم به معنی مطلق انحراف است (دانش، ۱۳۹۴: ص ۲۳۱ و ۲۳۲). از لحاظ حقوقی نیز، هر فعل یا ترک فعلی که در مقررات برای آن کیفر مشخص شده باشد جرم محسوب می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶: ص ۱۲۸). واژه «جرم» در متن نهج البلاغه تنها یک‌بار به کار رفته است. حضرت علی می‌فرماید: «قَوْلَ اللَّهِ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا ... لَقَتَلَهُ بِأَلَّا جُرْمٍ جَزَاءٌ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۲)؛ «به خدا سوگند اگر به هیچ‌یک از مسلمانان جز یک مردی که بر او تکیه شده بود، بدون هیچ جرمی آسیبی نمی‌رساندند، به او آسیب می‌رساندند.»

۲-۲. نقش خانواده در پیشگیری از جرایم اجتماعی

در جهان امروزی، نقش مؤثر خانواده در پیشگیری از کج‌روی اجتماعی بر کسی پوشیده نیست؛ اما اینکه خانواده از چه نوع ابعاد و ساختاری برخوردار باشد و ارتباط بین اعضای خانواده چگونه باشد تا بتواند نقش خود را در پیشگیری از کج‌روی‌های اجتماعی به خوبی ایفا کند این نقش و ساختار بر اساس نگاه حضرت علی (ع) و حکمت‌ها و خطبه‌های ایشان در قبال فرزندان باید در خصوص تربیت و پرورش باشد (طاهری‌زاده و سرگزی، ۱۳۹۹: ص ۱). از جمله وظایف والدین در امر پیشگیری این

است که بر اعمال و رفتار فرزندان نظارت داشته و آن‌ها را برای رفتن به مجالس و مراسم مذهبی تشویق و ترغیب نمایند و از رفتن به محیط‌های آلوده و ارتباط با افراد کج‌رو و تبهکار برحذر دارند؛ زیرا نقش تخریبی ارتباط با این دسته از افراد و حضور در مجالس آن‌ها به قدری است که حضرت علی (ع) در این ارتباط می‌فرماید: «مجالسه اهل الهوی منساة للایمان و محضرة للشیطان...» (نهج البلاغه: خطبه ۸۶)؛ «دوستی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند.» بنابراین دین اسلام با توجه به ابعاد مختلف نفس انسان، دستورالعمل جامعی را تنظیم نموده است تا به نیازهای آدمی در تمامی این ابعاد پاسخ گوید و از این راه بر روشنایی عقل و خرد انسان بیفزاید، عواطف و احساسات انسان در حد معقول سیراب کند و هم رفتار و عمل بهنجار را در شخص بروز دهد. بدین‌سان آدمی می‌تواند با انجام معارف علوی به نتیجه‌ای مطلوب در امر پیشگیری و درمان از انحرافات اجتماعی دست یازد.

۲-۱. نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر نهج البلاغه

از مؤثرترین و مهم‌ترین دلایل حرکت مطلوب فرزندان در مسیر روش زندگی اسلامی، خانواده و روابط عاطفی والدین است که اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه و اولین آموزشگاه هر شخص محسوب می‌شود. والدین به‌عنوان اولین مربیان هر انسانی، نقش مهمی در پرورش بُعد عاطفی فرزندان خود دارند.

تکریم و احترام فرزندان، محبت کردن به فرزندان، ارائه سرمشقی شایسته به فرزندان، توصیه فرزندان به راستگویی در گفتار، توصیه فرزندان به کظم غیظ، کنترل خشم، آموختن آداب معاشرت و کردار نیک به فرزندان از مهم‌ترین وظایف خانواده در قبال فرزندان به شمار می‌رود. پس والدین نقش ویژه‌ای در خانواده دارند و در صورتی که عوامل مؤثر در تربیت را به‌کار گیرند، می‌توانند سهم مهمی در رشد، پرورش و تحول بُعد عاطفی شخصیت فرزندان داشته باشند (صفاری محمدآبادی و قلمکاریان، ۱۳۹۹: ص ۱).

امام علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ، فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنكُمْ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ، وَلَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعْمِ شُكْرَكُمْ، فَقَدْ أَعَذَّرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ، وَ كُتِبَ بَارِزَةَ الْعُدْرِ وَاضِحَةً» (نهج البلاغه: خطبه ۸۱)؛ «ای مردم، زهد در

این جهان کاستن از دامنه آرزوهاست و سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها و پارسایی از حرام‌هاست. پس اگر بدان دست نیافتید، بکوشید تا حرام بر شکیبایی شما چیره نشود و در برابر نعمت، سپاسگزاری را از یاد مبرید. خداوند با آوردن حجت‌های آشکار و هویدا و کتاب‌های آسمانی و دلیل‌های روشن جای عذری برای شما باقی نگذاشته است.» این میثم در شرح این خطبه می‌گوید: این عبارت امام (ع) با ترسیم سه ویژگی، زهد را شرح و تفسیر می‌کند:

اول کوتاهی آرزوها؛ زهد عبارت است از کناره‌گیری نفس از خوشی‌ها و لذایذ دنیا و توجه نداشتن به غیر خدا کناره‌گیری از دنیا، موجب کوتاهی آرزو می‌شود، چون آرزومند به مورد آرزویش توجه می‌کند، ولی آن‌که از دنیا روی برگرداند و به خدا توجه کند، نمی‌تواند به چیزی جز خدا دل ببندد و یا آرزویی طولانی داشته باشد.

دوم شکر بر نعمت‌ها؛ توضیح مطلب این که بنده حق تعالی به همان اندازه که از دنیا کناره‌گیری کند به خداوند توجه و محبت پیدا می‌کند و به حق اعتراف و اقرار خواهد داشت. شکر حالتی قلبی و نتیجه آن آگاهی به مورد نعمت است. شکر در حق خداوند این است که انسان بداند جز حق تعالی نعمت دهنده‌ای نیست و هر نعمت دهنده‌ای که جز خداوند فرض شود، واسطه در نعمت‌های الهی است و خود دریافت‌کننده نعمت از جانب اوست. این توجه نفسانی و اعتقاد قلبی باعث می‌شود که انسان در عمل شکرگزار خداوند باشد.

سوم ورع و پارسایی؛ ورع عبارت است از التزام به انجام اعمال نیک و خودداری از غرق شدن در محرّمات. ورع از صفات راسخ در نفس و از ویژگی‌های عفت شمرده می‌شود. چنان‌که دانسته شد، خودداری از فرو افتادن در گرداب محرّمات و توجه داشتن به انجام اعمال نیک، لازمه‌اش بی‌اعتنایی به محبت و لذایذ دنیاست. دل‌باختگی به دنیا در زبان شرع مورد نهی قرار گرفته است. بنابراین شخص پارسا دل‌بسته به دنیا نیست و از خوشی‌های زودگذر آن اجتناب دارد. از کلام امام (ع) امر به پارسایی و دوری از محرّمات به خوبی استفاده می‌شود (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۴۸۶).

علاوه بر آنچه گفته شد، بحث تربیت و آسیب‌ها و جرایم اجتماعی نیز همواره در طول تاریخ مورد توجه انسان‌ها بوده و خانواده‌ها به تناسب مذهب و فرهنگ خود از شیوه‌های تربیتی مختلفی استفاده می‌کردند. از منظر حضرت علی (ع) زندگی و شکل‌گیری خانواده سختی‌هایی دارد و دردسری بالاتر اینکه، راه فراری هم از این مکافات نیست (نهج البلاغه: حکمت ۲۳۸)، البته رسیدن به

پاره‌ای از کمالات و خواسته‌ها قطعی نیست، مگر با ازدواج و تشکیل خانواده و اینکه این دشواری‌ها خود شیرین و دوست‌داشتنی هستند (نهج البلاغه: حکمت ۶۱)؛ اما آنچه در تشکیل خانواده مهم است اینکه باید با نگاهی باز و با دیدی عقلانی، نه چون عاشقی که با چشمی بیمار و گوشی ناشنوا از پی خواسته دل می‌رود و نهایتاً نیز به ندامت می‌رسد، دست به تصمیم و انتخاب زد (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۹). البته این سخن حضرت هرگز به این معنا نیست که ملاک در انتخاب، منهای دوست داشتن و محبت باشد، بلکه آنچه مورد نهی ایشان است انتخاب ناسنجیده و غیرعقلانی است.

۲-۲-۲. نقش مادر در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی یا ضد اجتماعی فرزندان

براساس آزمایش‌های مختلف، تعداد فراوانی از اختلالات روانی، ناشی از کمبود محبت والدین است، به‌طور نمونه نوزادانی که از مهر و محبت مادر در سال‌های اولیه زندگی‌شان محروم بوده‌اند و دور از محیط خانوادگی و در پرورشگاه‌ها زندگی کرده‌اند، با وجود رعایت اصول بهداشتی، از اختلال شخصیت رنج می‌برند (گندم‌کار و انجوی‌امیری، ۱۴۰۱: ص ۱).

مادر به عنوان رکن اساسی خانواده، نقش برجسته‌ای در پرورش فرزندان دارد. مادر افزون بر اینکه از عناصر مؤثر وراثتی محسوب می‌شود از لحاظ تاثیر محیطی نیز نقش اساسی دارد؛ چون به‌عنوان رکن دیگر خانواده مثل پدر در فراهم نمودن فضای پراحساس و ایجاد محیطی امن و آرام برای فرزندان مؤثر است. از این با اهمیت‌تر نقش بسیار مهم او از زمان انعقاد نطفه تا رسیدن به سن آموزش و رفتن به مدرسه است که در قیاس با نقش پدر در این مقطع بسی مهم‌تر است؛ زیرا در دوران جنینی، مادر اصلی‌ترین نقش را دارا است و بعد از او نیز بویژه در سال‌های نخست نقش مادر عمده‌تر است و این تأثیر بخصوص در ۲ سال شیرخوارگی به اوج می‌رسد؛ زیرا شیر مادر به عنوان سرچشمه تغذیه کودک، علاوه بر تأثیر مهم در تأمین سلامتی کودک می‌تواند در شکل‌گیری وضعیت روانی و اخلاقی او نیز اثرگذار باشد. از این رو در سیره تربیتی معصومین (ع) به خصوص امام علی (ع) بر نقش و ارزش شیر مادر و نیز انتخاب دایه صالح، بسیار تأکید شده است.

امام علی (ع) فرموده است: «انظروا من ترضع اولادکم...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ص ۴۴)؛ «بنگرید کدام زن به فرزند شما شیر می‌دهد، زیرا فرزند بر آن نمو می‌کند.» همچنین در حدیث دیگری

می‌فرمایند: «همان‌گونه که برای ازدواج همسر گزینش می‌کنید برای شیردادن به فرزندان‌تان نیز دایه تعیین نمایید؛ چرا که شیر اقبال را دگرگون می‌نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۱۰۳، ص ۳۲۳). افزون بر اینکه حضرت بر تعیین دایه و اثرگذاری شیر اصرار نموده‌اند، از شیر دادن چندگونه زنان به فرزندان نفی نموده‌اند و از آن جمله می‌توان به زنان دیوانه، نادان، کودن، فاحشه و بدکاره اشاره نمود. امیرالمؤمنین فرموده‌اند: «از دادن شیر زنان دیوانه و فاحشه به فرزندان‌تان اجتناب نمایید؛ زیرا شیر اثرگذار است». و در فرمایشی دیگر فرمودند: «از زنان نادان و کودن تقاضای شیر برای فرزندان‌تان ننمایید؛ زیرا شیر بر اقبال چیرگی دارد» (همان، ۳۲۳). تحقیقات مارگارت دیبل (Drabble Margaret) نشان می‌دهد که واکنش کودکان نسبت به توجه ناکافی مادر، به صورت از دست دادن شادابی طبیعی، پدیدگی رنگ، تنفس نامنظم و حتی ناراحتی‌های معده و روده و اسهال و استفراغ در کودک نمایان می‌شود، با توجه به این تحقیقات، کودک باید در یک دوره طولانی، محبت مادرانه کافی و با ثبات را تجربه کند. تظاهر به رفتار مادرانه کافی نیست. کودک نیاز به دریافت محبت واقعی و عمیق مادر یا جانشین مادر دارد تا بتواند مراحل رشد را به طور طبیعی طی کند یا عشق و علاقه خود را به او اظهار نماید (قنبرپور و آزاددل، ۱۳۹۸: ۱).

۲-۳- تربیت فرزندان از سوی خانواده در نگاه مکتب علوی

در سیره تربیتی امیرالمؤمنین (ع) همه روش‌های تربیتی فراگیر مطرح شده است؛ زیرا هم از ضرورت و ارزش تربیت و هم جوانب متفاوت آن و هم از روش‌ها، اهداف و عوامل تأثیرگذار در تربیت گفتار به میان آمده است و این حکایت از فراگیری نظام تربیتی آن حضرت دارد. از آنجا که در روش تربیتی حضرت علی (ع) مقصود نهایی از تربیت فرزندان پیروی از خداوند و نیل به مقام تکامل انسانی در پرتوی عبودیت حق تعالی است، در روش تربیتی ایشان بُعد دینی و اخلاقی بیش از دیگر ابعاد مورد توجه واقع گردیده است؛ زیرا عمدتاً در اثر تربیت این دو بُعد است که آدمی به آن هدف می‌رسد و باقی ابعاد، ابزار و اسبابی برای تربیت لایق‌تر این دو بعد است. در حالی که در تربیت غربی و غیر اسلامی چون هدف، نیل به آسایش مادی است تربیت دینی و اخلاقی نه تنها در تقدم نیست که از باقی ابعاد کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. حضرت علی (ع) در بخش تربیت دینی مسئله مراحل تربیت را به خوبی مورد توجه قرار داده‌اند و بویژه در دوره کودکی توانایی‌ها و ظرفیت کودک را کاملاً

رعایت نموده‌اند و از این‌رو در مسئله نماز که از بارزترین نمودهای تربیت دینی است تا قبل از سن ده سالگی (سن تمییز) فقط سفارش به تعلیم و آموزش نماز و زمینه‌سازی برای اقامه آن در سنین بعد نموده‌اند؛ اما از ده سالگی به بعد بر اقامه نماز فرزندان تأکید کرده‌اند. همچنین در آشنا نمودن کودکان به علوم اهل بیت (ع) و عقاید حقه در روایت تعبیر به «ما ینفهم» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج: ۵، ص: ۱۹۷) شده که دلالت دارد در دوره کودکی، فرزندان استعداد فراگیری و تعلیم همه آن‌ها را ندارند؛ علاوه بر این‌ها آن حضرت، در سخنی کوتاه و عمیق به شیوه رفتار با کودکان در این دوره اشاره نموده و فرموده‌اند: «من کان له ولد صبا»؛ (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۶، ص: ۵۰) هر که فرزند کودک دارد باید کودکانه با او رفتار نماید. همه این‌ها حکایت از توجه عمیق آن حضرت به مراحل رشد و تربیت فرزندان دارد.

از دیدگاه امام علی (ع) و در سیره تربیتی آن حضرت خانواده اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقش را داراست و در قیاس با بقیه عوامل از اثرگذاری بیشتری برخوردار است و این بدان علت است که اولاً در تأثیر عنصر وراثتی تنها عامل خانواده اثرگذار است و باقی عناصر محیطی نقشی ندارند. ثانیاً فرزندان تا قبل از بلوغ در مجموع، اغلب بخش عمرشان در محفل خانواده و تحت مراقبت آنان سپری می‌شود. ثالثاً نقش الگویی والدین بخصوص در پرورش اخلاقی بینهایت شایان توجه و مهم است. رابعاً خانواده فقط خود عامل مؤثر محیطی در تربیت فرزندان است که مقدمه سایر عوامل محیطی است؛ زیرا از روش ارتباطات اجتماعی بستر دوست‌یابی نیکو را برای فرزندان فراهم می‌نمایند و این خانواده است که مکان شایسته، همسایه مساعد، مدرسه مناسب و غیره را برای فرزندان فراهم می‌نمایند. همچنین معلوم گردید که نقش پدر بخصوص در زمینه‌سازی سایر عوامل محیطی برجسته‌تر از مادر بوده و در مقابل در دوران جنینی و سال‌های اول تولد نقش مستقیم مادر برجسته‌تر از پدر است، ولی در مجموع وظیفه و مسئولیت پدر در قبال تربیت فرزندان سنگین‌تر و بیشتر از مادر است و به همین خاطر حضرت علی (ع) در مواظب و توصیه‌ها بیشتر، فرزندان پسر خود را مورد خطاب قرار داده‌اند و مسئولیت آن‌ها را بیشتر تذکر داده‌اند.

پس از خانواده، عامل دوستان و همسالان بیش از دیگر عوامل مورد توجه حضرت واقع گردید و این به خاطر نقش مهم و مستقیم دوستان در تربیت فرزندان است. علاوه بر این، سایر عوامل مانند

همسایگان و انجمن‌ها نیز به نحوی به عامل دوستان برمی‌گردد؛ چون آن‌ها نیز زمینه دوست‌یابی را فراهم می‌نمایند.

در سیره تربیتی و دیدگاه‌های حضرت علی (ع) به نکاتی برمی‌خوریم که به روشنی معلوم می‌شود آن حضرت در بسیاری از نکات تربیتی پیشرو بوده که صاحب‌نظران امرِ تعلیم و تربیت دنیای امروز (بخصوص صاحب‌نظران غربی) سال‌ها پس از آزمایش‌های مکرر بدان رسیده‌اند. برای نمونه، بحث تأثیر وراثت و محیط که از کهن‌ترین مباحث تعلیم و تربیت و روان‌شناسی است و به‌نحو شایسته‌ای مورد توجه آن حضرت بوده است. همچنین بحث مراحل تربیت و رشد کودک و اصولاً توجه به کودک و تربیت متناسب او که عمدتاً در قرن نوزدهم و بیستم تحت عنوان روان‌شناسی رشد کودک مطرح گردید به‌نحو دقیق و ظریفی در سیره تربیتی آن حضرت مورد توجه واقع گردید.

از همه مهم‌تر برخی تئوری‌های روان‌شناسی است که از شاهکارهای روان‌شناسان و صاحب‌نظران امر تربیت به حساب می‌آید و سال‌ها تاریخ روان‌شناسی و علوم تربیتی را تحت تأثیر قرار داده است؛ در حالی که این‌ها ریشه در سیره تربیتی آن حضرت دارند، یا در تئوری انعکاس مشروط (Conditionet Reflex) اشاره نمود که عمدتاً در روان‌شناسی یادگیری مطرح می‌شوند. بر طبق این تئوری، اساس یادگیری بر انعکاس مشروط قرار دارد که بر اثر مجاورت و مشابهت دو شیء با یکدیگر، امر یادگیری آسان‌تر و بهتر صورت می‌گیرد. تئوری فوق برای اولین بار توسط پاولف روسی مطرح گردید و بعد از آزمایش‌های مختلفی که روی حیوان انجام داد نتیجه گرفت که عکس‌العمل طبیعی یک امر در وضعیت مخصوصی به امر هم‌جوار آن منتقل می‌شود. با کمی دقت آشکار می‌شود که این تئوری به‌نحو جامع‌تر و فراگیرتر در سخنان امیرالمؤمنین (ع) به عنوان یک شیوه تربیتی در بُعد تربیت دینی مطرح شده است. بدین بیان که حضرت علی (ع) در حدیث خود در ارتباط با نشان دادن اهمیت روز جمعه به عنوان روزی مقدس و بلکه عید هفته فرموده‌اند: «در روزهای جمعه برای زن و فرزندان خود مقداری میوه تهیه کنید تا آنان از جمعه‌ها خاطره خوش داشته باشند و از آن خوش‌شان بیاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۱۰۳، ص ۷۳). و این سخن عمیق و ظریف حضرت گرچه در خصوص روز جمعه مطرح گردید؛ اما در واقع حضرت یک شیوه مهم را برای تربیت دینی ارائه داده‌اند و جمعه به عنوان مثال و نمونه‌ای از آن است (همت بناری، ۱۳۷۹: ۱).

همچنین امام علیه السلام در این گفتار حکیمانه به نکته‌ای اشاره می‌کند که بسیاری عملاً از آن غافلند یا خود را به تغافل می‌زنند. می‌فرماید: «تَّقَوُا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ، فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» (نهج البلاغه: حکمت ۳۲۴)؛ «از عصیان خداوند در خلوتگاه‌ها بپرهیزید، چراکه شاهد، همان حاکم و دادرس است.» مکارم شیرازی در شرح این گفتار بیان می‌دارد: بسیاری از مردم بخصوص آن‌هایی که به پاکی و تقوا مشهورند یا موقعیت اجتماعی خاصی دارند از انجام معاصی آشکار پرهیز می‌کنند؛ ولی در خلوتگاه از آن ابا ندارند. امام علیه السلام به این‌گونه افراد هشدار می‌دهد که از عصیان خدا در خلوتگاه نیز به شدت بپرهیزید، زیرا در آن‌جا نیز خدا شاهد و ناظر آن‌هاست؛ همان خدایی که افزون بر شاهد و ناظر بودن، حاکم و قاضی نسبت به اعمال آن‌ها نیز هست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج: ۱۴، ص ۶۲۱).

۲-۳. نقش خانواده در درمان جرایم اجتماعی

انسان از ابتدای خلقت تاکنون پیوند جدانشدنی با هنر داشته و در جنبه‌های مختلف زندگی از آن بهره جسته است. رابطه تنگاتنگی بین هنر، نشاط و شادی وجود دارد؛ بدون تردید یکی از نیازهای نخست و اصلی آدمی برای بقا و تداوم زندگی، شادی است و هنر به هر نحوی، این قابلیت را در درون خود دارد که در نهایت منجر به افزایش نشاط و خوشایندی شود که این فرآیند در کیفیت زندگی و سلامت جامعه و بخصوص در پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی مؤثر است؛ زیرا کاهش آسیب‌های اجتماعی از اهمیت بسزایی برای یک جامعه پویا و در حال پیشرفت و توسعه برخوردار است (گرچی، ۱۳۹۰، ص: ۴۴-۴۶). نهاد خانواده در راه دستیابی به مقاصد خویش مثل سایر پدیده‌های هستی با عناصر و چالش‌های متفاوتی مواجه است که بعضی از آن‌ها سبب کج‌روی یا جلوگیری دستیابی آن به مقاصد مهم و برتر می‌شود و به خانواده صدمه می‌رساند و زمانی که به خانواده صدمه رساند؛ حضور اعضای این خانواده در جامعه برای معاشرت و زندگی اجتماعی، آسیبی به آرامش و پیشرفت جامعه وارد کرده و زندگی اجتماعی دیگران با مشکل روبرو می‌شود. نماز و روزه و سایر وظایف دینی یکی از ارکان مهم جهت درمان جرایم و آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه معارف علوی و نیز دین مقدس اسلام می‌باشد که خانواده می‌تواند در رشد و شکوفایی آن نقش بسزایی داشته باشد.

۲-۳-۱. نقش اصلی خانواده در قبال فرزندان در درمان آسیب و جرایم اجتماعی

حمایت خانواده از فرزندان خود که درگیر آسیب‌های اجتماعی هستند و تشویق آن‌ها به صحت کردن در مورد حادثه‌ای که برای‌شان رخ داده، بسیار مهم و حیاتی است. خانواده‌ها باید با مدنظر قرار دادن آموزه‌های دینی اسلام و تلاش برای رفع عوامل آسیب‌زای اجتماعی، از دامنه جرایم بکاهند. حضرت علی (ع) فرزند را موجب رفاه و آرامش می‌داند (نهج البلاغه: حکمت ۱۴۱). بیان این حکمت در این مطلب به هیچ عنوان تایید یا رد این کلام نیست که فرزند کم‌تر زندگی بهتر و اینکه آیا این دیدگاهی بیهوده هست یا خیر. بدیهی است بدون در نظر گرفتن شرایط جامعه، کمتر بودن فرزندان بالطبع مسئولیت و ترس کم‌تری داشته و خود به خود سبب رفاه و راحتی بیشتری برای پدر و مادر می‌شود؛ اما این سخن هرگز بی‌توجهی به فرزندان را تایید نمی‌کند. امیرالمؤمنین (ع) پدر و مادر را در برابر فرزندان، بی‌مسئولیت ندانسته و خود ایشان می‌فرمایند همان‌طور که فرزندان در برابر پدر و مادر وظایفی دارند، پدر و مادر نیز در برابر آنان وظایف و نقش‌هایی دارند و مهم‌ترین وظیفه آن‌ها تلاش در تربیت و تعلیم فرزندان برای درمان آسیب‌ها و جرایم اجتماعی است. حضرت علی (ع) در فرمایشی به فرزند بزرگوارشان امام حسن (ع) می‌فرماید: «وظیفه‌ای دارم تا تو را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازم و به عالی‌ترین شکل تربیت کنم». از این‌رو، بررسی نقش نهاد خانواده در انتقال ارزش‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول نظام تعلیم و تربیت از نظر قرآن و نهج‌البلاغه ضرورت و اهمیت دارد.

۲-۳-۲. اخلاق خانواده و اثر آن در درمان جرایم اجتماعی

پس از مرحله پیشگیری، هنگامی که راه‌حل‌های کنترل آسیب‌ها و جرایم اجتماعی از سوی خانواده‌ها تأثیرگذاری چندانی نداشته باشد وارد مرحله و گام بعدی یعنی راه‌های درمان جرایم اجتماعی خواهیم شد. بهتر است در این مرحله خانواده‌ها با تکیه بر معارف و آموزه‌های دینی اسلام و با تأکید بر دیدگاه معارف علوی و سخنان و خطبه‌های ارزشمند در نهج‌البلاغه به استقبال درمان آسیب‌های اجتماعی فرزندان خود در خانواده و سطح جامعه بروند. مهم‌ترین رکنی که همیشه در تربیت و پرورش فرزندان از سوی خانواده‌ها و مدارس مهم می‌باشد، اصول اخلاقی است.

با پیشرفته شدن جوامع و گسترش انقلاب صنعتی و رشد دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن نیازها و مایحتاج زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار آسیب‌های اجتماعی، فسادهای اخلاقی، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیب‌ها شده است.

بیشتر آسیب‌های اجتماعی انواعی تکراری در طول نسل‌های مختلف هستند؛ اما آنچه در جامعه مشاهده می‌شود برخی از این انواع در برخی نسل‌ها مثل نوجوانان اهمیت بیشتری پیدا کرده است و حتی برخی انواع این آسیب‌ها در نسل‌های بعدی تولید شده‌اند. از طرف دیگر، از آنجایی که یک‌سری دلایل غالب در هر اجتماعی وجود دارند که نسبت به سایر عوامل اهمیت بیشتری در بروز آسیب‌ها و جرایم دارند، می‌توان از انواع متمایز آسیب‌ها سخن گفت؛ اما عمدتاً ترکیبی بین آن‌ها دیده می‌شود.

امام در سخنی حکیمانه می‌فرماید: «...و لَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ، وَ لَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۱)؛ «و هیچ شفیعی، پیرومندتر از توبه نیست.» خوبی در شرح این حکمت بیان داشته: هر کس به کفاف معاش اکتفاء کند راحتش منظم است و در آسایش جایگزین است حبّ دنیا کلید رنج و بلا است و حرص، کبر و حسد نیز وسائل فرو افتادن در گناهان می‌باشند (خوئی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۴۵۸).

هر جامعه‌ای متناسب با ویژگی‌های خود، با انواعی از انحرافات و مشکلات روبه‌روست که تأثیرات بسزایی بر فرآیند پیشرفت آن جامعه دارد. رده سنی نوجوانی، سنی بسیار حساس است و بیشترین آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌ها و افراد مربوط به این رده سنی است. نوجوان احساس می‌کند باید استقلال داشته باشد و به مرور از خانواده فاصله می‌گیرد. این مسئله بخصوص در خانواده‌هایی که نزدیکی عاطفی و محبت کم‌تری با هم دارند سبب بروز آسیب‌های روحی و روانی زیادی می‌شود. لیکن پیشنهاد می‌شود خانواده‌ها باید نوجوانان خود را در برابر آسیب‌های اجتماعی با استفاده از نکات و آموزه‌های قرآنی و نهج‌البلاغه مراقبت دهند. خانواده و فرد هر دو باید در این سنین مراقب باشند و هر کدام وظایفی بر عهده دارند. خانواده‌ها باید بدانند که طغیان و تغییر کردار مخصوص سن نوجوانی است. از این‌رو، خانواده‌ها نباید خیلی نگران این مسائل باشند؛ زیرا به مرور زمان و گذر دوران بلوغ و خلق و خوی نوجوان، این مسائل همگی حل می‌شوند. مهم این است که این دوران حساس و پرخطر آسیب‌زا را با درایت پشت سر بگذارند و اجازه ندهند نوجوان به سمت بزه و

آسیب‌های اجتماعی گرایش پیدا کند. خانواده‌ها باید بهترین دوست برای فرزندان خود باشند و آن‌ها را حمایت کنند. در این صورت برای جبران کمبودهای عاطفی خود به دوستان بزهکار یا افرادی خارج از خانواده گرایش پیدا نمی‌کنند و احتمال ایجاد رفتارها و برخوردهای آسیب‌زا برای آن‌ها به مراتب کمتر می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

دستیابی به بهترین جامعه و شناخت مبانی و اصول آن، از مهم‌ترین اهداف ادیان الهی به خصوص دین مبین اسلام است و مکتب انسان ساز علوی و دیگر اهل بیت(ع) در میدان اندیشه و عمل می‌باشند.

در این مقاله آسیب‌هایی که از نظر اجتماعی، نهاد مقدس خانواده و به دنبال آن جامعه اسلامی را تهدید می‌کند مورد بررسی قرار گرفت، همچنین آفت‌های اجتماعی را در نهج البلاغه مطالعه و بررسی کرده و به همراه آن راهکارهایی را برای پیشگیری، کنترل و درمان آسیب‌ها در آموزه‌های علوی بویژه کتاب نهج البلاغه بیان کردیم و متوجه شدیم خانواده یکی از مهمترین عواملی است که می‌تواند بیشترین نقش را در جلوگیری از بروز انحرافات و جرائم اجتماعی ایفا نماید، همان طوری که می‌تواند عامل مؤثری در انجام رفتارهای انحرافی باشد. بنابراین اگر محیط خانواده در دوران کودکی فرد، یک محیط سالم، مناسب و بسامانی باشد، احتمال مصونیت این فرد از انجام رفتارهای انحرافی و نابهنجار بسیار فراوان است، لذا عنایت به توصیه‌ها و فرامین معصومین، همیشه انسان و جامعه انسانی و نظام خانواده را از نابودی باز می‌دارد.

پیشنهادها:

از آنجایی که خانواده، مهم‌ترین عامل وقوع جرم و در عین حال مؤثرترین عامل پیشگیری و درمان از وقوع جرم است، پیشنهادهایی نیز جهت درمان آسیب‌های اجتماعی در این رابطه ارائه می‌گردد:

۱. هنگام درگیر شدن فرزندان به آسیب‌ها و جرایم اجتماعی و رفتار نابهنجار بهتر است خانواده‌ها و والدین با الگوبرداری از سخنان و خطبه‌های با ارزش نهج‌البلاغه به درمان این آسیب‌ها بپردازند. در این مسیر می‌توانند فرزندان خود را با نهج‌البلاغه آشنا و آنان را به خواندن بخش‌های مهم تربیت اخلاقی آن تشویق کنند.

۲. مهم‌ترین اصلی که در ساختن خانواده مهم به نظر می‌رسد، توجه به این نکته است نخست اصلاح، ارتقاء و تکمیل روابط زن و شوهر است؛ به صورتی که هر قدر آن روابط اصلاح شود، اثر تربیتی غیرمستقیم بر فرزندان خانواده خواهد داشت.

بنابر آنچه گفته شد؛ اسلام برای مسئله تعلیم و تربیت افراد اهمیت و ارزش زیادی قائل است و اشخاص را نسبت به فراگیری آن تشویق و تمجید نموده و برای کسب علم و معرفت از جهت زمان، مکان و نوع علم محدودیتی قائل نشده است. هر چند باید توجه داشت که در امر تعلیم، لازم است نیکوترین روش، برای بیان بهترین موضوعات و مطالب مورد نیاز کودک و نیز برای شکل‌دهی افکار درست و عواطف و احساسات متعادل و رفتار و اعمال صحیح در او انتخاب شود. لذا آگاه نمودن فرزندان به آثار مثبت عمل صالح و بهنجار و پیامدهای منفی دنیوی و آثار غیرقابل جبران اخروی عمل نابهنجار، گرچه مهم است؛ اما نمی‌تواند به تنهایی شخص را در مقابل کج‌روی اجتماعی در امان بدارد، بلکه لازم است که به دیگر ابعاد وجودی انسان توجه شود تا این تعلیم و فراگیری، در سازندگی فرد مؤثر باشد و فرد از یک شخصیت بهنجار برخوردار شود.

منابع

الف) کتاب:

قرآن

نهج البلاغه

ابن میثم، میثم بن علی، (۱۳۷۵)، شرح نهج البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، جلد ۵، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

اعزازی، شهلا، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی خانواده، با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: رونشگران و مطالعات زنان.

باهنر، ناصر، (۱۳۸۸)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، چاپ دهم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۴۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.

جوهری، شکیبا سادات، (۱۳۸۸)، گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان، قم: دفتر عقل.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه،

ترجمه محمد رضا حسینی جلالی، جلد ۵، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

خوئی، حبیب‌الله بن محمد، (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۲۱، تهران: مکتبه الاسلامیه.

دانش، تاج‌زمان، (۱۳۹۴)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، چاپ دوازدهم، تهران: کیهان.

دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: نشر روزنه.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ سوم، بی‌جا: کانون انتشارات محمدی.

عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دوم، بی‌جا: نشر فرهنگ اندیشمندان.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، چاپ دوم، قم: هجرت.

فیروزیان‌نژاد، فاطمه و مظفری‌ابرار، مسعود، (۱۳۹۹)، نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان، بی‌جا: مؤسسه نشر سیمرغ آسمان آذرگان.

قائمی، علی، (۱۳۹۳)، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

قدیمی‌ذاکر، سیدعبدالزهره، (۱۳۷۸)، دیدگاه‌های جرم‌شناسانه امیرالمؤمنین علی(ع)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

قندی، افسانه، (۱۳۹۵)، روش‌شناسی نقش والدین در تربیت فرزندان بر اساس نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، تهران: دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، ترجمه علی‌اکبر غفاری و دیگران، جلد ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، ترجمه علی‌اکبر غفاری و دیگران، جلد ۱۰۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، جلد ۱۴، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

میرقائد، علی‌احمد، (۱۳۹۷)، پیشگیری از جرم از منظر نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، تهران: انتشارات آریا دانش.

ب) مقالات:

رضائیان، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «بررسی نقش نهاد خانواده در پیشگیری از وقوع جرم»، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران.

صفاری محمدآبادی، علی و قلمکاریان، سیدمحمد، (۱۳۹۹)، «بررسی نقش خانواده در پرورش بعد عاطفی فرزندان با بهره گیری از نهج البلاغه»، ششمین همایش بین‌المللی مطالعات دینی و علوم انسانی در جهان اسلام.

طاهری‌زاده، مریم و سرگزی، زهرا، (۱۳۹۹)، «بررسی نقش خانواده در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی»، تهران: هفتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران.

قنبریور، معصومه، آزاددل، سمیه، (۱۳۹۸)، «نقش عدالت در تنظیم اصول حاکم بر مدیریت خانواده از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه»، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، دوره ۱، شماره ۷

کارخانه، جواد و موسیوند، جواد، (۱۳۹۷)، «بررسی رویکرد کنترل اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، مجله مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره دوم، شماره ۴/۱.

گرچی، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، «دادوستدهای فقهی در بازار مقارنه»، مجله زمانه دی، شماره ۱۰۷.

گندم‌کار، دنیا، انجوی‌امیری، معصومه و همکاران، (۱۴۰۱)، «جنبه‌های ابراز عواطف مثبت پدر در ارتباط با خانواده از دیدگاه نهج البلاغه»، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در حسابداری، مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.

همت‌بناری، علی، (۱۳۷۹)، «تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن»، نشریه تربیت اسلامی، شماره ۲.

 [10.22034/rjcis.2025.11818](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11818)